



عارف واحد ناوان  
waheednavaan@yahoo.com



## پیامدهای تنش در روابط تهران- واشنگتن

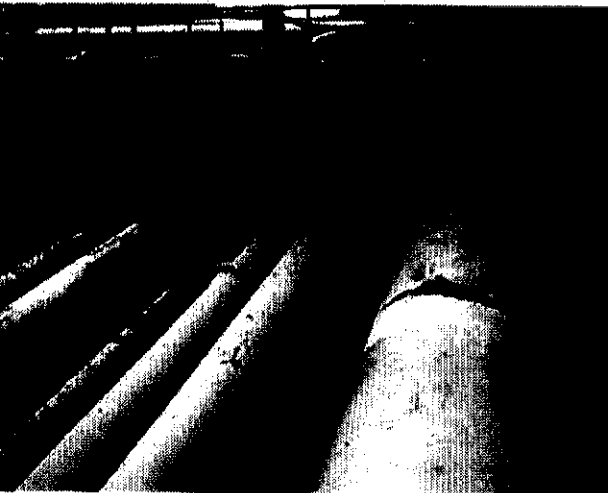
جمهوری آذربایجان با شرکت‌های بزرگ نفتی نتیجه داد و شرکت بزرگ نفتی انگلستان (بریتیش پترولیوم) کار استخراج نفت خزر را آغاز کرد. همزمان ۲۵ شرکت کوچک و بزرگ دیگر برای به دست آوردن سهمی از این سفره بزرگ با دولت باکو قراردادهایی را امضا کردند. دیگر جمهوری‌های ساحلی دریای خزر نیز به طور جداگانه اقدام به عقد قراردادها با برخی شرکت‌های نفتی کردند.

اما رهبران این جمهوری‌ها به زودی دریافتند که برای انتقال نفت دریای خزر به بازارهای جهانی با مشکل عمده روبه‌رو هستند به علاوه استخراج نفت در عمق بیش از ۸ هزار متر نیاز به فن آوری‌های تازه‌ای داشت که این فن آوری در انحصار برخی کشورها و شرکت‌های بزرگ نفتی است لاینحل ماندن رژیم حقوقی دریای خزر

نفت خزر از هر راهی جز ایران و روسیه باید به بازارهای جهانی منتقل شود. این جمله را "بیل ریچاردسون" وزیر وقت انرژی ایالات متحده آمریکا زمانی به زبان راند که کارشناسان اقتصادی و سیاسی مسیر ایران را به دلیل ثبات سیاسی در ایران و اقتصادی بودن، مقرون به صرفه می‌دانستند. اما تیرگی روابط تهران و واشنگتن مانع از آن شد که لوله‌های ترانزیت نفت خزر از خاک ایران بگذرد.

بحث استخراج نفت خزر و انتقال آن به بازارهای جهانی از زمان فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های تازه تاسیس آغاز شد. این جمهوری‌ها که با مشکلات اقتصادی شدیدی مواجه شده بودند برای فایق آمدن بر بحران‌های اقتصادی به استخراج و فروش نفت روی آوردند. انتشار آمارهای رنگین از سوی کشورها و

شرکت‌های نفتی غربی مبنی بر وجود ذخایر بزرگ نفتی در خزر و مقایسه آن با نفت خاورمیانه اشتباهی رهبران این جمهوری‌ها را برای بستن قرارداد با شرکت‌های نفتی دو چندان کرد. شتاب برای استخراج و فروش نفت به قدری زیاد شد که حیدر علی اف به مردم تحت رهبری‌اش نوید تبدیل جمهوری آذربایجان به کویت قفقاز را داد. بالاخره چانه‌زنی رهبران



نیز مزید به علت شد.

با این وجود پس از گفت و گوهای طولانی در سطح بین‌المللی و ارزیابی موقعیت خزر مسیرهای باکو- نوروسیسک (روسیه)، باکو- سوپسا (گرجستان)، باکو- نوروسیک - بورگاس (بلغارستان) آکساندروپولیس (یونان)، باکو- تفلیس - جیهان (ترکیه)، مسیر ارزان قیمت ایران به خلیج فارس و چند مسیر دیگر پیشنهاد شد سرانجام خط انتقال لوله نفتی ۱۷۷۰ کیلومتری باکو - تفلیس - جیهان با هزینه‌ای نزدیک به ۴ میلیارد دلار عملیاتی شد. خط لوله باکو- جیهان بزرگ‌ترین خط لوله انتقال نفت جهان است که میدان‌های نفتی آذری و "چراغلی" و "گونشلی" را به بندر جیهان در جنوب شرق ترکیه و آب‌های مدیترانه متصل می‌کند. این خط لوله قادر است روزانه یک میلیون تا چهار میلیون بشکه نفت را به بازارهای جهانی پمپاژ کند.

گفته می‌شود مقدار نفت جمهوری آذربایجان در حدی نیست که لوله‌های باکو- تفلیس - جیهان را پر کند اما آمریکایی‌ها برای جبران آن یک خط لوله ۷۰۰ کیلومتری از خاک قزاقستان تا بند آکتاو واقع در دریای خزر و راه‌اندازی ترمینال نفتی در منطقه "آتیراؤ" را در دستور کار خود قرار داده‌اند تا نفت منطقه "کاشاقان" که بزرگ‌ترین منطقه نفتی خزر است را به لوله‌های باکو- جیهان سرازیر کنند. اما پرسش اینجاست چرا به رغم اقتصادی بودن مسیر ایران آنچه در نهایت عملی شد خط انتقال لوله نفتی باکو- تفلیس - جیهان بود؟

باید اعتراف کرد آمریکایی‌ها برای این کار ۸ سال پس از فروپاشی شوروی صبر کردند اما وقتی نشانه‌هایی از بهبود در روابط تهران و واشنگتن آشکار نشد ایران از بازی خزر کنار گذاشته شد.

نشست سران کنفرانس امنیت و همکاری اروپا که در سال ۱۹۹۹ در استانبول ترکیه برگزار شد را نمی‌توان به این سادگی فراموش کرد. در همین سال و در حاشیه همین نشست بود که سران کشورهای ترکیه، آذربایجان و گرجستان به کمک آمریکا پای سندی را امضا کردند که دست ایران و روسیه به موجب اجرای آن از نفت خزر کوتاه شد. از زمان آغاز به کار این پروژه ما به این موضوع دل خوش کردیم که این کشورها از عهده بار مالی این پروژه سنگین بر نخواهند آمد. در حالی که هر لحظه آرزوی شکست این طرح را داشتیم. در



## سناریوی مخالفت آمریکا با عبور لوله‌های نفت و گاز دیگری در حال تکرار است

"ایلسا" (قانون تحریم ایران و لیبی) پروژه‌های مسیر ایران را عقب انداخت. از سوی دیگر اگر ایران در راه‌اندازی خط لوله نفتی نکا-ری تعلل نمی‌کرد و حداقل فاز نخست این پروژه را در موعد مقرر راه‌اندازی می‌کرد حامیان خط انتقال لوله نفتی باکو- تفلیس- جیهان را به تردید می‌انداخت. اما ما نه تنها در راه‌اندازی این پروژه‌ها تعلل کردیم بلکه سیاست انعطاف‌ناپذیری با ایالات متحده آمریکا را در پیش گرفتیم در واقع انتخاب مسیر باکو- تفلیس - جیهان علاوه بر این که زیان‌های اقتصادی زیادی متوجه ایران می‌کند موجب افزایش حضور سیاسی و اقتصادی ترکیه در منطقه می‌شود.

سناریوی مخالفت آمریکایی‌ها با عبور لوله‌های نفت و گاز از خاک ایران و جلوگیری از مشارکت شرکت‌های بزرگ در طرح‌های ایران به نوع دیگری در حال تکرار است. کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا که به بانوی جنگ شهرت دارد در پاسخ به پرسش‌های خبرنگاران مبنی بر انتقال گاز ایران از راه پاکستان به هند و موضع

ساعت ۱۱ پیش از ظهر روز چهارشنبه ۲۵ ماه می ۲۰۰۵ میلادی کار ساخت این پروژه که به پروژه قرن شهرت دارد به اتمام رسید در همین ماه کار پر کردن این خط لوله با حضور رهبران کشورهای ترکیه، جمهوری‌های آذربایجان، گرجستان، قزاقستان، وزیر انرژی ایالات متحده آمریکا و نمایندگان نزدیک به ۳۰ کشور جهان در پایانه نفتی سنگچال در نزدیکی باکو آغاز شد.

انتظار می‌رود تا مهر ماه آینده این خط لوله پر از نفت شود و نخستین نفتکش امکان بارگیری نفت خزر را در ماه‌های آبان و دی ماه به دست آورد.

بر اساس برآوردهای اولیه، جمهوری کوچک آذربایجان در ۲۰ سال آینده بیش از ۳۰ میلیارد دلار از طرح مذکور درآمد کسب خواهد کرد.

در حالی که ایران این فرصت را داشت با قرار دادن آب‌راه‌های مهم خود در اختیار کشورهای خشک آسیای مرکزی و قفقاز نقش مرکزی را برای شبکه جدید لوله‌کشی بازی کند اما مخالفت ایالات متحده آمریکا و قانون تحریم

### شرکت تولیدی و مهندسی



## حرارت گستر

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

\* دارای تاییدیه نقشه ساخت دیگ بخار و آب داغ از TÜV آتریش \*

### تولید کننده :

- دیگ بخار
- دیگ آب داغ و آب گرم
- دی آر بی تور
- سفتی گیر
- منهم کوپل مار
- مبدل حرارتی
- فیلتر شنی
- دی الکالایزر
- فلاش تانک بخار
- جداساز کننده آب از بخار
- منهم کندانس

نشانی: تهران، خیابان طالقانی شرقی، شماره ۵۲۳، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۲۳۲۱  
تلفن: ۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۶۰۵۸۸۹ فاکس: ۷۶۰۴۵۳۱

آمریکا در این خصوص چنین گفت: ما با دولت‌های پاکستان و هند در مورد فسخ این قرارداد گفت‌وگوهایی داشته‌ایم.

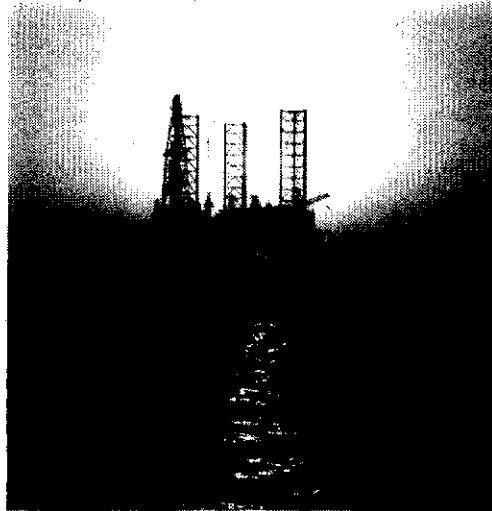
آگاهان سیاسی معتقدند در صورت مخالفت آمریکایی‌ها یا انتقال گاز ایران به هند گاز تولیدی جمهوری ترکمنستان از مسیر افغانستان به هند منتقل می‌شود و ایران بار دیگر به دلیل مخالفت واشنگتن از بازی کنار گذاشته می‌شود. یک تحلیل‌گر بین‌المللی می‌گوید: متأسفانه این صدمات استراتژیک و راهبردی که به اقتصاد ایران تحمیل می‌شود به هیچ وجه قابل جبران نیست یعنی اگر در آینده روابط ایران و آمریکا بهبود پیدا کند دیگر خط انتقال نفتی باکو-

تفلیس- جبهان را تعطیل نمی‌کنند و خط لوله دیگری از مسیر ایران نمی‌کشند.

شگفتا ما به جای نقد و اصلاح سیاست خارجی انفعالی خود رهبران جمهوری‌های تازه استقلال یافته را در ناکامی‌هایمان مقصر می‌دانیم و آنها را متهم به کشتادن پای قدرت‌های خارجی به منطقه می‌کنیم. بد نیست به اظهارات سفیر جمهوری آذربایجان در تهران در مورد پرسش‌های خبرنگار یک خبرگزاری در مورد خط انتقال نفت باکو- تفلیس- جبهان اشاره کنیم. سفیر باکو در تهران در مورد انتقاد شدید این خبرنگار از دولت باکو مبنی بر دخالت ندادن ایران در پروژه‌های نفتی جمهوری آذربایجان حرف‌های جالبی بر زبان رانده است که به خوبی ضعف سیاست خارجی ما را آشکار می‌کند اکنون این پرسش و پاسخ از نظر شما می‌گذرد:

**آیا مذاکرات ایران و آذربایجان نمی‌توانست به این نتیجه منجر شود که خط لوله از مسیر ایران عبور کند؟**

ببینید؛ اصلاً بحث آذربایجان نیست. ما وقتی می‌خواهیم از قسمت آذربایجان در دریای خزر نفت استخراج کنیم بعضی جاها هشت هزار متر عمق دارد و بعضی جاها مانند شمال دریای خزر هم هست که ۱۰ هزار متر است. ما خودمان این سرمایه را نداریم که نفت را استخراج کنیم. در سال‌های اول که می‌خواستیم کنسرسیوم‌ها را تشکیل دهیم پیشنهاد ایران این بود که هیچ‌کس در خزر سرمایه‌گذاری نکنند! اما حیدر علی‌اف گفت: "مسأله‌ای نیست؛ شما بیاید سرمایه‌گذاری



ما قصد دخالت در امور داخلی ایران را نداریم؛ ما یک کشور کوچک با مشکلات زیاد هستیم؛ به دنبال ارتباطات وسیع با دنیا برای حل مشکلات خود هستیم. ایران یک کشور بزرگ است که می‌تواند از امکانات موجود استفاده کند و روابط خود را با دنیا بسازد؛ حال چگونه می‌خواهد این روابط را بسازد و این که اصلاً می‌خواهد این کار را بکند یا نه، کار ما نیست. اگر روابط ایران با کشورهای دیگری که در کنسرسیوم آذربایجان حضور داشتند خوب بود می‌توانست کاری کند که خط لوله باکو - جبهان از مسیر ایران بگذرد و این به ما ربطی ندارد که ایران با کدام کشور روابط خود را چگونه می‌خواهد تنظیم کند. ما فقط به عنوان یک

کشور دوست و برادر این را می‌گوییم که دلمان می‌خواست ای کاش روابط ایران با تمام کشورهای دنیا خوب بود تا مشکلاتش در منطقه کمتر شود. این هم به نفع ایران و هم آذربایجان و هم دیگر کشورهای منطقه است. این موضوعی نیست که من بتوانم در باره آن نظر بدهم. شرکت‌های خارجی آمدند حدود سه میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کردند. این مقدار کمی نیست. مسلم است که هر مسیری که خود انتخاب کنند همان خواهد بود و این جا دیگر نباید مقصر را آذربایجان دانست.

از اظهارات سفیر جمهوری آذربایجان در ایران می‌توان استنباط کرد که تیرگی روابط تهران - واشنگتن نه تنها موجب خسران سیاست خارجی ایران است بلکه کشورهای همسایه را در میان دو دوست گرفتار کرده است.

تردیدی نیست این کشورها برای خروج از بحران و انزوا و پیوستن به پیمان‌های اقتصادی و سیاسی غربی نیازمند به همکاری با آمریکایی‌ها هستند اکنون پرسشی که فرار روی ما قرار می‌گیرد این است که آیا دولت دکتر احمدی‌نژاد قادر خواهد بود کلاف سردرگم دیپلماسی ایران را باز کند و بعد از گذشت ۲۵ سال قطع روابط با آمریکا یخ‌های روابط تهران - واشنگتن را ذوب کند؟ اگر چه عادی شدن روابط دو کشور موجب نخواهد شد زبان‌های راهبردی که در نتیجه سیاست‌های خصمانه متحمل شده‌ایم جبران شود اما عادی شدن روابط ایران و آمریکا حداقل از فشارهای سیاسی و اقتصادی که بر ایران و کشورهای همسایه تحمیل می‌شود خواهد کاست.

## اگر ایران در راه اندازی خط لوله نفتی تکا-ری تعلل نمی‌کرد حامیان خط انتقال لوله نفتی باکو - تفلیس - جبهان را به تردید می‌انداخت

کنید؛ نفت را استخراج کنید و هر جا که خواستید بفروشید" ولی ایران نیامد سرمایه‌گذاری کند زیرا ایران نه تکنولوژی آن را داشت و نه سرمایه‌اش را. ما هم نمی‌توانستیم مردم را گرسنه نگه داریم به این امید که ان شاء الله در آینده کشورمان سرمایه‌اش را داشته باشد آن وقت شروع می‌کنیم به استخراج و صادرات. فقط کشورهای عضو کنسرسیوم که آمدند سرمایه‌گذاری کردند می‌توانند تصمیم بگیرند که مسیر انتقال نفت از کجا باشد. آذربایجان، خود تصمیم نمی‌گیرد.